

ابلاغ

سایت کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی

واشینگتن تایمز: رژیم ایران ماهی سیاه کوچولو را حلق آویز می‌کند

رونامه واشینگتن تایمز سرمقاله روز سه شنبه 21 اردیبهشت خود با عنوان «رژیم ایران ماهی سیاه کوچولو را حلق آویز می‌کند» را به اعدام معلم شهید فرزاد کمانگر اختصاص داد. در این نوشتار آمده است:

یک سال پیش، واشینگتن تایمز درد و رنج فرزاد کمانگر، یک معلم کرد مدرسه را مورد توجه جهان قرار داد. او به غلط توسط رژیم اسلامی در تهران به تروریسم متهم شده بود. او تقریباً 4 سال را همراه با شکنجه فیزیکی و روانی در نظام زندان ایران سپری کرد. درد و رنج آقای کمانگر روز یکشنبه توسط طناب دار یک جلاد، خاتمه یافت. او 34 سال سن داشت.

آقای کمانگر همراه با 4 "مبارب" دیگر، که به گفته رژیم "متهم به انجام اعمال تروریستی" بودند، کشته شد. 3 پرونده این متهمان همچنان در دست بازنگری بود که اعدامها فوراً به اجرا گذاشته شد. ارتباطات تلفنی با زندان بدنام اوین تهران در آخر هفته حین آماده‌سازی و اجرای اعدامها قطع شده بود. رژیم، خانواده یا وکلای مدافع متهمین را از قبل مطلع نکرده بود، در حالی که طبق قانون باید انجام شود - - و آنها از طریق یک بیانیه مطبوعاتی نسبت به اعدام مطلع شدند. رژیمی که مدعی نمایندگی خدا است، بیشتر مانند یک توطئه جنایی علم کرد که چیزی برای مخفی کردن دارد.

جرم آقای کمانگر کرد بودن بود. او در یک دبستان در شهر کامیاران در شمال غربی تهران تدریس می‌کرد و در آنجا عضو اتحادیه معلمان کردستان بود و برای انتشارات مختلف مخفی حقوق بشری می‌نوشت. او به‌طور مخفیانه به دانش آموزان کرد خود، زبان ممنوعه آنها را می‌آموخت و برایشان داستانهایی در مورد فرهنگ و تاریخشان تعریف می‌کرد. او در ژوئیه 2006 دستگیر شد و مورد ضرب و شتم، شلاق، شوکهای الکتریکی، سوتغذیه، محرومیت از خواب و حبس انفرادی در سرما و در سلولهای کثیف قرار گرفت. فریادهای وی زیر شکنجه با صدای بلند پخش بخشهایی از قرآن خاموش می‌شد.

آقای کمانگر در فوریه 2008 از یک دادگاه 5 دقیقه‌ای برخوردار شد. وکیل وی، خلیل بهرامیان، سال گذشته از طریق تلفن از ایران به واشینگتن تایمز گفت که "مطلقاً هیچ سندی علیه فرزاد که وی را به یک گروه یا فعالیت‌های تروریستی مرتبط کند" وجود نداشت. او گفت که فرزاد، "یک معلم، شاعر، خبرنگار، فعال حقوق بشر و فرد ویژه‌پی است". و برای این تصمیم سراسری و از پیش تعیین شده چنین سندی به دادگاه ارائه نشد، یا نیازی به آن نبود.

آقای کمانگر در آخرین نامه خود از زندان، داستان ایرانی "ماهی سیاه کوچولو" را بازگو می‌کند. این داستان در سال 1967 توسط معلم مخالف [دولت شاه] صمد بهرنگی نوشته شد، و داستان ماهی کوچکی را شرح می‌دهد که برای سفری به منظور اکتشاف دریا، قوانین جامعه خود را به مبارزه می‌طلبد. این ماهی سیاه کوچولو، با پشت سر گذاشتن مخاطرات بسیار، به آزادی، و نیز یک مرگ نابهنگام دست می‌یابد. او نوشت، "آیا می‌شود معلم بود و مسیر به دریا را به ماهی کوچک کشور نشان نداد؟ آیا می‌شود مسئولیت سنگین معلم بودن را به دوش کشید و مسئولیت پاشیدن بذر علم را برعهده داشت ولی همچنان ساکت بود؟ آیا می‌شود تیغ را در گلوی دانش‌آموزان دید و شاهد چهره‌های لاغر و دچار سو تغذیه آنها بود و همچنان سکوت کرد؟ ... نمی‌توانم تصور کنم که شاهد درد و فقر مردم این سرزمین باشم و قلبم را به رودخانه و دریا، به تندر و سیل نسپارم".

آقای کمانگر نوشت، "ماهی کوچک به آرامی در دریا شنا می‌کرد و می‌اندیشید: روبه‌رو شدن با مرگ برای من سخت نیست، از آن پشیمان هم نیستم".

منبع: سایت هرانا

وارد شده: 22/02/1389 - 12/05/2010